

خبر

**حضور الهام علی اف در سفارت ایران برای عرض تسلیت به مناسبت شهادت مقام معظم رهبری**

الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان به منظور عرض تسلیت به مناسبت شهادت رهبر معظم انقلاب در سفارت ایران در باکو حاضر شد. علی اف پیش از این نیز در پیامی به مسعود پرتشکیان رئیس جمهوری کشورمان نوشت: «عمیق ترین تسلیت خود را در ارتباط با این فقدان سنگین به شما، خانواده آن مرحوم و مردم ایران ابراز می‌کنیم و برای شما صبر و شکیبایی آرزومندیم» در ادامه پیام ریاست جمهوری آذربایجان آمده است که «آیت‌الله سید علی خامنه‌ای شخصیتی بود که سال‌های متمادی نقش کلیدی در حیات دولت و جامعه ایران ایفا کرد و جایگاه ویژه‌ای در حیات سیاسی و مذهبی کشورش داشت. درگذشت ایشان ضایعه بزرگی برای ایران است.»

تاکید مجدد اسپانیا بر محکومیت حملات علیه ایران

«پدرو سانچز» نخست‌وزیر اسپانیا که پیشتر حملات غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم کرده و اجازه استفاده از پایگاه‌های آمریکایی تحت حاکمیت اسپانیا برای این حملات را نداده است، بار دیگر در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: «موضع دولت اسپانیا در این وضعیت مشخص و تغییرناپذیر است: نه به جنگ.» سانچز در واکنش به اظهارات «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا در پی مخالفت مادرید با در اختیار قرار دادن پایگاه‌های اسپانیا برای حمله به ایران تهدید کرده بود روابط تجاری با مادرید را قطع می‌کند، گفت: «ما قرار نیست از ترس تلافی دیگران موضعی را اتخاذ کنیم که خلاف ارزش‌ها و اصول اخلاقی ماست.»

عراقچی: ترامپ به دیپلماسی و مردم آمریکا خیانت کرد

سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پیامی در شبکه مجازی ایکس گفت: هنگامی که با مذاکرات پیچیده هسته‌ای مانند یک معامله املاک و مستغلات رفتار می‌شود و زمانی که دروغ‌های بزرگ، واقعیت‌ها را مخدوش می‌کنند، انتظارات غیرواقعی بیانه هرگز برآورده نخواهند شد. عراقچی نتیجه این نگاه و رفتار را بمباران میز مذاکره از سر کین و لجبازی دانست. وی گفت: آقای ترامپ به دیپلماسی و نیز به آمریکایی‌هایی که او را انتخاب کردند خیانت کرد.

جهان

بدون روتوش



محمد محسن فاطمی

کارشناس مسائل فلسطین

معادله بازدارندگی ایران، فراتر از سرزمین‌های اشغالی

ترامپ و نتانیاهو عملیات جدیدی را با هدف تغییر رفتار و سیستم در ایران آغاز کردند. عبور از خط قرمز در حمله ابتدایی و به شهادت رساندن امام امت آیت‌الله خامنه‌ای، ایران را در مسیری قرار داد که مجبور به اجرائی کردن بدترین سناریوهای تئودین شده‌اش کرد. سناریویی که بازدارندگی‌اش را بر مبنای «امنیت و اقتصاد خلیج فارس برای همه‌ای برای هیچ‌کس» پایه‌ریزی کرده بود و از ماه‌ها قبل در روابط فشرده دیپلماتیک به کشورهای عربی هشدار داده شده بود که اگر به هر طریقی از سرزمین یا منابع آنها در راستای جنگ علیه ایران استفاده شود؛ آنها هم از واکنش تهران در امان نخواهند بود. مجموع کنشگری ایران در روزهای گذشته موجب برهم خوردن تعادل اقتصادی و بازارهای جهانی در مقیاس قابل توجهی شده است. در پی حملات، بخصوص به فجیره، سطح اضطراب بازار نفت افزایش یافته است. نفت برنت حدود شش دلار دیگر هم افزایش قیمت داشته و به ۸۴ دلار رسیده است. اگر این روند تداوم داشته باشد، ممکن است جمعه بازار نفت قیمتی حدود ۱۰۰ دلار به خود ببیند که برای مشتریان نفت دردناک است.

براساس گزارش روزنامه عبری کالکالیست تا روز پنجم جنگ (چهارشنبه) شاخص ترس در اقتصاد جهانی افزایش یافته و شاهد سقوط شدید در بورس‌های اروپا، افزایش ۷٫۲ درصدی قیمت گاز طبیعی در دو روز شده است و اکنون نفت در قیمت ۸۴ دلار است. قیمتی که موجب شد ترامپ وعده دخالت در تنگه هرمز برای عادی شدن مسیر ترانزیت انرژی را بدهد و در پاسخ به سؤال خبرنگاران بگوید نگران قیمت نفت نیست.

براساس گزارش این روزنامه عبری حتی بورس‌های استول با ۷ درصد و توکیو با ۳ درصد سقوط از ترکش‌های جنگ ایران در امان نمانده‌اند. دلیل آن هم این است که ژاپن و کره جنوبی از کشورهایی هستند که بیشترین وابستگی را به نفت و گاز کشورهای خلیج فارس از طریق تنگه هرمز دارند. با اعلام تصمیم قطر بر توقف تولید و صادرات گاز از دبیروز، احتمال بالاتر رفتن قیمت‌های انرژی و سقوط بازارهای مالی دور از انتظار نیست.

همچنین سناریو درگیر کردن منطقه و حمله به منافع و پایگاه‌های آمریکا در سراسر غرب آسیا موج انتقادات از ترامپ را در آمریکا بیشتر کرد. به گونه‌ای که رسانه‌های غربی از تصمیم دموکرات‌های آمریکا می‌گویند که در حال پیشبرد طرحی هستند که ترامپ را ملزم به دریافت تأیید کننده برای ادامه اقدام نظامی علیه ایران می‌کند. این طرح در اوج تنش با ایران ارائه شده و در واشنگتن جنجال سیاسی به پا کرده است. وجهه دیگر جنگ منطقه‌ای و حملات ایران، پیامدهای این اتفاق در سرزمین‌های اشغالی است. براساس اعتراف اسموئیلزویچ وزیر دارایی اسرائیل تاکنون هزینه مستقیم اقتصادی این جنگ برای اسرائیل حدود ۹ میلیارد دلار (تقریباً ۲۰۸ میلیارد دلار) بوده است. براساس گزارش گلوزیگی از بیسایط‌های اقتصادی اسرائیل، این اتفاق به معنی افزایش کسری بودجه است و حتی اگر جنگ کوتاه باشد، می‌تواند پس از تکرار جنگ (۱۲ روزه) و دو سال جنگ در غزه رشد سالانه اقتصادی را ۱ تا ۳ درصد پایین بیاورد.

**کشورهای منطقه و ایران درک مشترکی از وضعیت جاری دارند**

یادداشت

حسین اجرلو

استاد دانشگاه و کارشناس ارشد مسائل منطقه

زدن همسایگان، بلکه برای ضربه زدن به هرگونه منافع آمریکایی، همان‌طور که اصولاً ایالات متحده آمریکا یک کشور دوردست از جمهوری اسلامی ایران است و اقدامات خود را از طریق همین کشورها انجام می‌داد، ما شاهد بودیم که در بحث لجستیکی، اکثر لجستیک در همین کشورهای عربی انجام می‌شد، تجهیز نیروهایشان از همین‌جا شکل می‌گرفت و حتی بحث لجستیک در حوزه‌های مختلف جنگی در اینجا اتفاق می‌افتاد.

علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شد، با این حال جمهوری اسلامی در بیش از ۴ دهه هیچ تهدیدی را متوجه همسایگان خود نکرد و در چهارچوب سیاست همسایگی ملاحظاتی حکمرانی و سیاست خارجی آن‌ها را مدنظر قرار داد. با این حال این موضوع از سوی کشورهای عربی نیز مدنظر بود که چنانچه روزی سطح تنش و درگیری بین ایران و آمریکا وارد مرحله جدی مثل شرایط کنونی شود،

پاسخ بازدارنده ایران در قالب حمله به پایگاه‌های مواضع آمریکا در منطقه امری بدیهی و فرض شده است.

این اقدامات ایران کاملاً دفاعی است. حالا چه پاسخی و چه سناریویی را می‌توانیم در این زمینه شاهد باشیم؟ ما سه طیف سناریو را می‌توانیم داشته باشیم: سناریوی اول؛ اینکه آنها واکنشی نداشته باشند و درک کنند. اگرچه شاید به نوعی به دلیل اینکه حاکمیت ملی آنها و ارزش‌هایشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد، گلیه‌هایی داشته باشند، ولی این درک را نداشته باشند که این یک امر طبیعی حاصل اقدامات یک متحد آنهاست و آن را یک امر طبیعی حساب بدارند. برای اینکه جنگ گسترده نشود، بیشتر به نوعی محکومیت‌های

درک

مشترکی

بین ایران و

همسایگان

عربی خود

وجود دارد

که اقدامات

ایران در

چارچوب

سیاست

دفاعی و

واکنش به

تهدیدات

امریکایی

است و

از این رو

محتمل‌ترین

سناریو در

قبال رویکرد

آن‌ها نسبت

به تهران

عدم واکنش

به

تهاجمی به

حملات و

تلاش برای

کاهش سطح

تنش ایران و

آمریکا خواهد

بود

بین‌المللی و محکومیت ایران اقدام کنند و از طرف دیگر سعی کنند آتش بس پیش‌برود؛ یعنی همان چیزی که تقریباً تا الان در پیش داشته‌اند، یعنی فشار به متحدشان از طریق واسطه‌ها، حتی مثلاً تماس با روسیه و چین و از این طریق می‌خواهند که این غائله را ختم کنند. این یک سناریو است و در آینده هم احتمال دارد این را ادامه دهند. سناریوی دوم؛ اینکه این کشورها به نوعی بدون درگیری گسترده، یک سری اقدامات نمادین انجام دهند. مثلاً یک نوع حرکت‌های نمادین انجام دهند و می‌خواهند برای اینکه جنگ هم گسترش پیدا نکند و برای اینکه افکار عمومی خودشان و آن‌ها را ختم کنند، اقدامی انجام دهند. ولی این مسأله نباید به نوعی به افزایش تنش‌ها منجر شود؛ یعنی کاملاً کنترل‌شده باشد. سناریوی سوم؛ اینکه این‌ها وارد یک ائتلاف جدی شوند و بخواهند با جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ شوند. حالا احتمال کدام سناریو بیشتر است؟ هر کدام بر اساس مقتضیات خود ممکن است، ولی فرایندهای فعلی نشان می‌دهد که این‌ها تمایل جدی به همان سناریوی اول دارند. دلایل این است که هزینه‌های درگیری با ایران به دلایل متعدد برای آنها بالاست.

این دلایل می‌تواند یکی این باشد که قدرت نظامی ایران -حالا نه از لحاظ تکنولوژیکی، ولی از لحاظ اراده جنگ- جمهوری اسلامی ایران اراده جنگ بیشتری دارد. حتی احتمال دارد چون بحث‌های تاریخی پیش می‌آید، به انسجام ایرانیان منجر شود و ضربات گارتی‌تری بزند. دلیل بعدی مستعدان منطقه‌ای ایران هستند و در قالب گروه‌های متنوع می‌توانند ضرباتی به آنها بزنند؛ از یمن و عراق تا لبنان و حتی در خود کشورهایشان این ظرفیت وجود دارد.

دلیل دیگر گرایش همسایگان ما به سناریوی عدم واکنش این است که آنها اطمینان ندارند متحدشان یعنی ایالات متحده



آمریکا قابلیت این را داشته باشد که بخواند از آنها حمایت کند. چون اسرائیل بزرگ‌ترین علامت سؤال در ذهنشان است. به‌خصوص در این چند روز هم به آنها اثبات شده که وقتی پای رژیم صهیونیستی در میان باشد ایالات متحده آمریکا سیستم‌های دفاعی مستقر در همین کشورها را به سرزمین‌های اشغالی منتقل می‌کند.

آنها به عین دیدند که آمریکا در موضوع اسرائیل امنیت آنها را به خطر می‌اندازد. مسأله بعد این است که اساساً آنها اقدامات ایران را ناشی از یک تجاوز می‌دانند که ترامپ به خاطر اسرائیلی‌ها وارد آن شده، نه اینکه این جنگ جنگی آسیب‌جنک را می‌بینند، ولی این جنگ جنگ آنها نیست.

اینها مباحثی است که آنها را به این سمت می‌کشاند. سناریوی مطلوب برای ایران این است که همان سناریوی اول شکل بگیرد. ولی سناریوی نامطلوب برای ایران، درگیری با جنگ فرسایشی میان همسایگان است که این اساساً به نظر می‌رسد یکی از خطوط قرمز جمهوری اسلامی و هم آنها باشد. در مجموع به نظر می‌رسد حجم درگیری‌های ایران مانند جنگ‌های فرسایشی و بلندمدت نخواهد بود.

این چشم‌انداز وجود دارد که این جنگ بالاخره شاید ظرف این چند روز یا این هفته به پایان برسد، چون این سطح از درگیری که بدون هم‌مرزی اتفاق می‌افتد، یک جنگ بسیار بلندمدت نخواهد بود. طرفین به دنبال این هستند که این جنگ را با منافع بیشینه به اتمام برسانند. به نظر می‌رسد که احتمال دارد این فرایند به نقطه‌ای برسد و بعد از این جنگ و بعد از این تحولات، وابسته به نوع کنش‌های طرفین، احتمال ترمیم روابط با بازیگران منطقه دیگر وجود داشته باشد. با دلخوری‌هایی که وجود دارد، کشورهای عربی به سمت ترمیم روابط خودشان با جمهوری اسلامی خواهند رفت و ایران هم از آنها دلجویی خواهد کرد تا این فرایند عمیق نشود؛ چرا که سیاست جمهوری اسلامی ایران همچنان بر مدار زندگی مسالمت‌آمیز با همسایگانش است.

حاضر متوقف شوند، عمدتاً به این دلیل که فکری می‌کنند در یک آتش‌بس سریع سودی وجود ندارد و این رئیس‌جمهور ترامپ را در مخصصه قرار می‌دهد، زیرا او اکنون درگیر جنگی رو به گسترش است که قیمت انرژی را افزایش می‌دهد و می‌تواند از نظر تلفات و خسارت به داری‌های ایالات متحده، حتی بیشتر گسترش یابد.

پس شما می‌گویید این جنگ، زمانی که ایران بخواهد، پایان می‌یابد. باید بی‌رسوم، تهران تا چه مدت می‌تواند این جنگ را ادامه دهد؟ ایران فکری می‌کند که یک جنگ کوتاه که در آن ایالات متحده هزینه زیادی نپردازد، فقط باعث می‌شود ترامپ فکر کند جنگ با ایران آسان است و او می‌تواند دوباره به آن برگردد. اما اگر جنگ طولانی‌تر، خونین‌تر و پیچیده‌تر شود، می‌تواند یک عامل بازدارنده در برابر تجاوز بیشتر آمریکا علیه ایران در آینده ایجاد کند. ایرانی‌ها در حال حاضر فکری می‌کنند که استقامت لازم برای ادامه حمله به اهداف در خلیج فارس، افزایش قیمت انرژی، ایجاد نگرانی در بازارهای جهانی و همچنین به تدریج کشاندن تبعات این جنگ به اروپایی‌ها را دارند. تعطیلی پایانه‌های گاز LNG در قطر در نهایت بر تأمین انرژی اروپا تأثیر می‌گذارد. همه اینها اساساً جنگ را پیچیده و پیچیده‌تر می‌کند، تا جایی که ایالات متحده ممکن است تصمیم بگیرد که باید هزینه بیشتری برای آتش‌بس بپردازد، نه اینکه فقط در این برهه‌ها زمان آن را درخواست کند.

به نظرمی‌رسد وقتی ایران در طول جنگ ۱۲ روزه سال گذشته حمله متقابل انجام می‌داد، از تمام ظرفیت خود استفاده نمی‌کرد. اهدافی را انتخاب می‌کرد که از قبل اعلام کرده بود و به دنبال ایجاد حداکثر خسارت نبود. این ارزیابی من است. در حال حاضر، به وضوح در حال تشدید تنش‌ها نسبت به تابستان گذشته است. آیا می‌دانید چقدر ظرفیت بیشتری دارد؟ تحت این شرایط چند کارت دیگر برای بازی دارد؟ اول از همه، ایران در تلاش است تا نه تنها در اسرائیل، بلکه در منطقه، دست درازیه‌های موشک‌های پارتیوت، رهگیرها

درک

مشترکی

بین ایران و

همسایگان

عربی خود

وجود دارد

که اقدامات

ایران در

چارچوب

سیاست

دفاعی و

واکنش به

تهدیدات

امریکایی

است و

از این رو

محتمل‌ترین

سناریو در

قبال رویکرد

آن‌ها نسبت

به تهران

عدم واکنش

به

تهاجمی به

حملات و

تلاش برای

کاهش سطح

تنش ایران و

آمریکا خواهد

بود

و موشک‌های تاد را به پایان برساند. به عبارت دیگر، هر پهباد کوچک ایرانی که ممکن است ده هزار یا بیست هزار دلار قیمت داشته باشد، برای سرنگونی آن به تعداد زیادی پارتیوت و سایر رهگیرها نیاز است. در نهایت، آنها محاسبه می‌کنند که در مقطعی این موضوع برای کشورهای خلیج فارس، پنتاگون و اسرائیل به یک مسأله تبدیل خواهد شد.

دوم اینکه، آنها لزوماً سعی نمی‌کنند اهدافی را در خلیج فارس یا اسرائیل هدف قرار دهند، بلکه می‌خواهند فشار مداومی را حفظ کنند. آنها در طول روز موشک‌هایی را به اسرائیل می‌فرستند، نه در حجم زیاد، بلکه به طور مداوم و به طور مشابه در خلیج فارس. حفظ فشار مداوم بر سیستم‌های دفاع هوایی و جمعیت آن کشورها است. اگر مردم مجبور شوند به طور مداوم به پناهگاه‌ها فرار کنند، می‌توانید فعالیت‌ها را کاملاً مختل کنید و سپس، در مقطعی، پس از اینکه سیستم‌های دفاع هوایی تخلیه شدند، به موشک‌ها و قابلیت‌های درجه بالاتر روی می‌آورند. بنابراین، فکری نمی‌کنم ما در واقع بدترین قسمت جنگ را ندیدیم. به ایالات متحده پیشنهاد می‌شود که به خصوص به این دلیل که خود ترامپ از درگیری‌های نظامی آشفته بیزار بوده است. پایگاه او این را دوست ندارد و او حتی برای پایگاه خود یا مردم آمریکا دلیلی برای جنگ ارائه نکرده است. او به احتمال زیاد از قیمت‌های بالاتر بنزین و خسارات قابل توجهی که باعث ایجاد دیدگاه بد در ایالات متحده می‌شود، منبجر خواهد شد. منطقی است که اسرائیلی‌ها انگشت شست خود را روی این آسیب‌پذیری بگذارند، بنابراین این واقعاً آزمایشی برای ترامپ است.

آیا احساس می‌کنید کاخ سفید به اندازه کافی در مورد ایران مشاوره دارد؟ آیا آنها به درستی آستانه درد ایران را در نظرمی‌گیرند؟

من اینطور فکر نمی‌کنم. وقتی استیو وینکاف گشت که رئیس‌جمهور از اینکه ایرانی‌ها تسلیم نشده‌اند، ناامید شده است، این فقط به این معنی بود که آنها کاملاً در مورد محاسبات ایران دچار سوءتفاهم شده‌اند. من مطمئنم که آنها ارزیابی‌های میدانی را می‌بینند که به آنها می‌گوید اوضاع در چهتی که با وجود درگذشت رهبری، آماده تسلیم شدن نیستند. ممکن است در نهایت این را به عنوان یک اشتباه محاسباتی بزرگ از سوی ترامپ، بر اساس برداشت نادرست از تفکر دشمن، ببینیم.

